پیشخوان

انقلاب اسلامی در شیراز، به روایت آیت‌الله سیدعلی‌اصغر دستغیب

خاطره‌گویی ناظر به اسناد

■ **محمدرضا کائینی**

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، خاطرات آیت‌الله سید علی اصغر دستغیب از عالمان انقلابی شهر شیراز است که از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی نشر یافته است. ناشر در دیباچه خویش بر این اثر، در باب اهمیت تدوین و انتشار این دست از آثار، چنین آورده است: «با آنکه خاطره‌نویسی و خاطره‌گویی در روزگار ما مورد قبول و توجه جدی قرار گرفته، اما به معنای امروزین آن، رواج و سابقه چندانی در ادب و تاریخ این سرزمین نداشته است. در آثار گذشتگان رد و نشان خاطره‌نویسی را می‌توان در زندگینامه‌ها، تذکره‌ها، سفرنامه‌ها، وقایع‌نامه‌ها و امثال آن جست‌وجو کرد. خاطرات بنا بر اتفاق تاریخ‌شناسان، از جمله منابع مهم تاریخی به شمار می‌آید. خاطره‌ها و خاطره‌نگاشته‌ها از حیث نقش و حضور راوی در وقایع و مقاطع تاریخی، فراگیری موضوع و محتوا، چگونگی نقل و نگارش و توجه صاحب خاطره به رعایت دقت در نقل و پرهیز از دیگرگون‌نمایی، ارزش و اعتبار می‌یابند. نهضت اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی(ره) هم در ذیل و تداوم تاریخ اسلام و قیام‌های حق‌طلبانه شیعه و هم در گستره تاریخ ایران و دوران معاصر، از چنان عظمت و اهمیتی برخوردار است که سال‌های سال باید در آن مطالعه و مداقه شود. در این میان شناخت چند و چون حوادث پیدا و پنهانی که از نخستین بارقه‌های قیام تا انفجار نور به وقوع پیوسته، به طریق اولی بر ذمه زبان و قلم آنانی است که در

آیت‌الله سیدعلی‌اصغر دستغیب کنار شهید آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب

بطن و متن این واقعه بزرگ حضور داشته‌اند. نقل، نگارش و تدوین خاطرات و مشاهدات انسان‌های آزاده و برانگیخته‌ای که از طلیعه قیام یاریگر رهبری و نهضت بوده‌اند، می‌تواند روشنگر نکته‌ها و ناگفته‌ها و شناسای تلاش و همت ایشان باشد و فراتر از این در بازشناسی و پژوهش تاریخ جامع انقلاب اسلامی به کار آید...»

راوی خاطرات نیز در یادداشتی بر این دفتر، نکات ذیل را مورد اشاره قرار داده است: «انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی(قدس‌سره)، قیامی الهی بود که در امتداد خط حرکت انبیای عظام و خصوصاً حضرت ختمی مرتبت محمدمصطفی(ص) و ائمه معصومین(ع) به وقوع پیوست. میلیون‌ها انسان حق‌طلب با ندایی آشنا، همچون دریایی خروشان جاری شدند و با نیروی ایمان نشئت گرفته از قدرت لایزال حق‌تعالی، به پیروزی رسیدند و همچنان برای حراست از رهاوردهای عظیم انقلاب افتخارآفرین خود، یعنی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ثابت و استوار ایستاده و به عنوان ملتی مقاوم و ایثارگر، الگوی جهانیان شدند. اینجانب در این میان، قطره‌ای از آن دریای بیکران بوده‌ام و اگر در سایه الطاف الهی و برکات اولیای بزرگوارش گامی ناچیز برداشته‌ام، هرگز قابل خطور به خاطر نیست، تا چه رسد که لایق تحریر باشد. لکن با توجه به توضیحات کتبی یا حضوری بعضی مسئولان گرانقدر مبنی بر ضرورت ثبت و ضبط وقایع انقلاب و درخواست ارسال مکتوبی از خاطرات، احساس وظیفه نموده و این مجموعه را تهیه کرده و تقدیم داشتم. شایان ذکر است قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ساواک شیراز به وسیله مردم مؤمن و انقلابی تسخیر و اسناد و مدارک، توسط اشخاص مختلف از آن محل خارج گردید. در همان اثنا یکی از خواهران تلفنی اطلاع داد پرونده اینجانب در منزل ایشان است و متعاقباً آن را به خودم تحویل داد که پس از پیروزی انقلاب و تهیه فتوکپی از صفحاتش اصل آن را به محلی که جهت جمع‌آوری و نگهداری اسناد و مدارک تعیین شده بود، بازگردانیدم. بنابراین اسنادی که در آخر این نوشتار بازنویسی شده، نسخه‌هایی از فتوکپی همان پرونده است. با توجه به لزوم ارائه اصل اسناد، نمونه‌هایی نیز در بخش ضمائم، به صورت پالایش نشده آن آمده است...»

۱۳۵۷. شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتح در حاشیه اقامه نماز جماعت در پایان یکی از راهپیمایی‌های انقلاب اسلامی

شهید آیت‌الله دکتر مفتح، شهید آیت‌الله مطهری و همگنانش، روشنگری فرهنگی و حضور در دانشگاه‌ها را به عنوان راهبرد مبارزاتی خویش انتخاب کرده بودند. شهید مفتح با قبول امامت جماعت مسجد جاوید و دعوت از چهره‌های مبارزی چون آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای برای ایراد سخنرانی، چراغ آگاهی و روشنگری را بر افروخت. از این روی و در نهایت، سازمان اطلاعات و امنیت کشور امام جماعت را دستگیر و مسجد جاوید را نیز تعطیل کرد!

شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتح و رهبری مبارزات در مساجد جاوید و قبا

شیخ شهید، خروش بر وابستگی از پایگاه اندیشه و فرهنگ

■ **نیما احمد پور**

سالروز شهادت اندیشمند گرانمایه آیت‌الله دکتر محمد مفتح، فرصتی مغتنم است تا در باب منش علمی و عملی وی سخن رود. مقال پی آمده سعی کرده است تا با استناد به پاره‌ای از گزارش‌ها و تحلیل‌ها، کارنامه مبارزاتی وی در مساجد جاوید و قبای تهران را مورد بازخوانی قرار دهد. امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

مبارزی که در سنگر فرهنگ جای گرفته بود

پیش از ورود به موضوع اصلی مقال، یعنی روش شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتح در مدیریت فعالیت‌های مساجد جاوید و قبا، نظری به شیوه مبارزاتی آن بزرگ بهنگام می‌نماید. این مقوله از آن جهت در خور اهمیت است که منطق رفتاری آن متفکر ارجمند را در ادوار گوناگون حیات، قابل فهم می‌سازد. محمدجواد قربی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره معتقد است:

«دکتر مفتح با سفرهایی که به نواحی مختلف جهت سخنرانی داشت، مردم مسلمان را به وظایف دینی و سیاسی آگاه می‌کرد. با دستگیری و تبعید امام خمینی(ره)، مبارزه متوقف نشد، بلکه به تأثیر از جو خفقان ایجاد شده، تاکتیک مبارزات تغییر کرد. در این رویکرد شاگردان امام ضمن مبارزه سیاسی، به بسترسازی فکری و فرهنگی، به منزله یک اقدام انقلابی توجه خاصی ورزیدند. آیت‌الله مفتح علاوه بر حضور قوی در صحنه مبارزات ضد حکومت، دارای سوابق قابل توجه فرهنگی بود. تدریس در دبیرستان دین و دانش که راه و روش جدیدی را در پیش گرفته بود و همگامی با مؤسسان اندیشمند آن چون شهیدآیت‌الله بهشتی و آیت‌الله حائری تهرانی و نیز تشکیل کانون دانش‌آموزان و فرهنگیان قم از آن جمله است. تأسیس مجمع اسلام شناسی برای پژوهش در مسائل بنیادی اسلامی و انتشار چندین جلد کتاب از این مجموعه، تحت نظارت دکتر مفتح، از فعالیت‌های مهم فرهنگی-انقلابی-اسلامی نیروهای مذهبی به شمار می‌رود. گردانندگان این مجموعه، متفکران و نویسندگانی در حوزه مطالعات اسلامی بودند که در دو سو مشغول مبارزه قلمی بودند، نخست مقابل استعمار فرهنگی غربی حاکم بر جامعه و دیگری اصلاح اندیشه‌های انعطاف‌ناپذیر برخی اقشار متحجر مذهبی که خود از عوامل رویگردانی افراد بسیاری از دین و مذهب بودند. در این مبارزه پردامنه فکری و فرهنگی، لازم بود هم آشنایی و تسلط کامل بر اسلام و معارف حقه شیعه در حوزه‌های علمیه حاصل شود و هم با اندیشه‌های جدید موجود در دانشگاه‌ها آشنایی ایجاد گردد. شناخت اسلام راستین و ناب از یک سو برای زدودن خرافات و پیرایه‌های بی‌پایه در میان اقشار مذهبی و از سوی دیگر، برای ارائه در مجامع دانشگاهی ضرورت داشت. شخصیت‌هایی چون: آیت‌الله مرتضی مطهری، آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد بهشتی، آیت‌الله دکتر محمدمفتح، دکتر محمدجواد باهنر و... از آن جمله اندیشمندان تربیت شده مکتب امام خمینی بودند که برای تعدیل، تغییر و تصحیح نظر دانشگاهیان نسبت به اسلام و مذهب، قدم در دانشگاه‌ها گذاشته و با تحصیل یا تدریس و فعالیت گسترده، مروج اسلام ناب در مراکز دانشگاهی شدند. تمرکز بر فعالیت‌های آموزشی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی، اقامه نماز در مسجد دانشگاه تهران و راهنمایی دانشجویان مقاطع مختلف، از جمله این خط مشی‌ها بود...»

آیت‌الله مفتح، آیت‌الله خامنه‌ای و روشنگری در مسجد جاوید

همانگونه که اشارت رفت، شهید آیت‌الله مفتح، شهید آیت‌الله مطهری و همگنانش، روشنگری فرهنگی و حضور در دانشگاه‌ها را به عنوان راهبرد مبارزاتی خویش انتخاب کرده بودند. شهید مفتح با قبول امامت جماعت مسجد جاوید و دعوت از چهره‌های مبارزی چون آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، چراغ آگاهی و روشنگری را بر افروخت. مرتضی محمودی از شاگردان شهید مفتح، در این باره خاطراتی به ترتیب پی آمده دارد:

«دکتر مفتح برای آقای مطهری خیلی احترام قائل بود. ایشان وی را استاد خودش می‌دانست. من بارها در دانشکده می‌دیدم که با چه احترام ویژه‌ای با استاد برخورد می‌کرد و دائماً هر وقت از ایشان اسم می‌برد، به‌عنوان استاد فرهیخته و معنوی خود یاد می‌کرد. به هرحال وی بسیار به ایشان علاقه‌مند بود. دکتر مفتح در دانشکده، منطق و کلام باب حادی عشر درس می‌داد. یک کتابچه قدیمی طلبگی بود که بر مبنای آن کلام درس می‌داد. وی آن موقع یک کتاب منطق هم نوشته و چاپ شده بود که آن را نیز تدریس می‌کرد. دکتر مفتح بسیار متواضع و خودمانی بود. چون جوان بود، دانشجوها هم به او علاقه داشتند. وی به دانشجویان نزدیک بود. از لحاظ فکری، دینی و سیاسی در دانشکده، اول استاد مطهری بعد دکتر مفتح بسیار مؤثر بودند و به همین خاطر زیربنای تفکر و شخصیت من و اکثر دانشجویان، توسط این دو بزرگوار پایه‌گذاری شد. به دلیل اینکه درس‌های استاد مطهری سنگین بود، همه جوانان را نمی‌توانست جذب کند، مگر افرادی که اندکی با صبر و حوصله پیش می‌رفتند، اما دکتر مفتح جوان‌ها را درک می‌کرد و تا حدود زیادی می‌توانست آنها را جذب کند. بنابراین مسجد جاوید بعد از اینکه حسینیه ارشاد تعطیل شده بود، پایگاه جوانان بود. آقای دکتر مفتح تقریباً مسجد را به پایگاه بسیار خوبی تبدیل کرده بود و سخنران‌هایی از جمله آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را برای سخنرانی دعوت می‌کرد. در سال ۱۳۵۳ روز میلاد امام صادق(ع) که آقای خامنه‌ای دعوت شده بود دو شب سخنرانی کند. شب اول ساواک اجازه نداد ایشان سخنرانی کنند. دانشجوها تجمع کردند، تعدادی کتک خوردند و یکی دو نفر هم دستگیر شدند. من آنجا یک باتوم خوردم، ولی دستگیر نشدم. شب بعد به دلیل شلوغی دانشجوها اجازه دادند سخنرانی شود. آیت‌الله خامنه‌ای سخنرانی بسیار انقلابی‌ای انجام داد و آن موقع سخنرانی‌اش خیلی طولانی هم بود. شاید حدود دو ساعت و نیم بیشتر سخنرانی کرد...»

دستگیری آیت‌الله مفتح و تعطیلی مسجد جاوید

تلاش‌های بیدارگرانه شهید آیت‌الله مفتح در مسجد جاوید، به ویژه دعوت از سخنرانانی که به مبارزه علیه رژیم شاه شهره بودند، موجب حساسیت شدید ساواک بر این کانون دینی شد. از این روی و در نهایت، سازمان اطلاعات و امنیت کشور شهید آیت‌الله مفتح را دستگیر و مسجد را نیز تعطیل کرد. در اثر «تاریخ شفاهی مساجد تأثیرگذار در انقلاب اسلامی» منتشره از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در این موضوع می‌خوانیم:

«همزمان با بالا گرفتن فعالیت‌های سیاسی مسجد، شهید مفتح از آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای دعوت نمود تا در شب‌های ۱۸ و ۱۹ رمضان سال ۱۳۵۳، در مسجد جاوید سخنرانی نماید. دعوت از آیت‌الله خامنه‌ای در آن شرایط کار ساده‌ای نبود، چراکه ایشان از طرف ساواک تحت مراقبت بود. از طرف دیگر بانی و متولی مسجد، برای آنکه فعالیت‌های مسجد با ممانعت ساواک و شهربانی مواجه نشود، از سپردن تعهد برای بعضی از سخنرانان خودداری می‌کرد! سرانجام آیت‌الله خامنه‌ای در شب‌های ۱۸ و ۱۹ آبان به مناسبت وفات امام صادق(ع)، در مسجد جاوید حاضر شد. سعید علم‌الهدی یکی از حضار آن جلسه بود. او در این رابطه می‌گوید: در شب ۱۹ آبان ابتدا دکتر سیدحسین شمسایی مداح، مسجد شعری در مورد فلسطین خوانده و آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه بحث در مورد فلسطین و صلح امام حسن (ع) سخنرانی کرد. از آنجایی که ایشان تحت نظر ساواک بود، پس از پایان سخنرانی، او را مخفیانه به بیرون هدایت کردند. روز بعد خبر آمد که آقای خامنه‌ای دستگیر شده‌اند!... آیت‌الله خامنه‌ای پس از دستگیری، به کمیته مشترک ضدخرابکاری منتقل شد. با انعکاس گزارش‌های ارسالی از شهربانی و ساواک، در مورد فعالیت شهید آیت‌الله مفتح در مسجد جاوید، در روز سوم آذر ۱۳۵۳ ریاست واحد اجرایی کمیته مشترک ضدخرابکاری، دستور گرفت تا نسبت به شناسایی، دستگیری و بازرسی از محل سکونت وی اقدام کند و آیت‌الله مفتح به کمیته مشترک ضدخرابکاری تحویل داده شود. بلافاصله او دستگیر و به زندان کمیته مشترک منتقل گردید. با دستگیری وی مسجد جاوید نیز تعطیل شد...»

«مسجد قبا» کانون خروش انقلابی

پس از ساخت مسجد قبا در یکی از محلات شمال تهران و نیز مشورت سازندگان آن با برخی عالمان نامور و انقلابی، شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتح به امامت جماعت آن انتخاب شد. این مسجد پس از تعطیلی دیگر مساجد روشنگر در تهران، تقریباً به یگانه پایگاه بسط و توسعه اندیشه مبارزاتی تبدیل شد و در روزهای اوج‌گیری نهضت، نقشی مهم و تاریخی ایفا نمود. زنده‌یاد رحیم نیکبخت نویسنده اثر «زندگی و مبارزات آیت‌الله مفتح» که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است، در این فقره می‌نویسد:

«دکتر مفتح با آنکه خود ممنوع‌المنبر بود، بحث پیرامون مسائل مهم نهضت، چون حکومت اسلامی را خود برعهده می‌گرفت. ساعت ۲۱ روز ۱۳۵۷/۵/۱۸ (چهارم رمضان)، ایشان در حضور هشت الی ۱۰هزار نفر - که بیشتر جوان و دانشجو بودند- پس از برگزاری نماز جماعت به منبر رفت و درباره حکومت اسلامی صحبت کرد. او نوزدهم مرداد (پنجم رمضان) هم به ایراد سخنرانی پرداخت و در بیستم مرداد پس از تلاوت آیاتی از قرآن مجید اظهار داشت: مسئله سیاست با مذهب توأم بوده و در تمام زمان‌ها، رهبران دولت‌ها حق سیاست را از رهبران مذهبی سلب نموده‌اند... من هشت سال است از طرف امام خمینی مأموریت دارم که بیان ایشان را برای ملت شریف و مسلمان ایران ایراد کنم... در نتیجه فعالیت‌های رو به گسترش آیت‌الله مفتح، کلانتری محل نظریه می‌دهد: با توجه به محتوای سخنرانی‌های واعظ مذکور و تحریک احساسات مردم و دعوت توده‌های اخلالگر در شهرستان‌های ایران به همبستگی و اطاعت بی‌چون و چرا از دستورات مرجع تقلید امام خمینی به منظور برقراری حکومت اسلامی، احتمال ایجاد تظاهرات و بی‌نظمی از ناحیه جمعیت حاضر که هر روز رو به تزاید بوده و اکثراً در نتیجه توصیه اشخاص دیگر، بدین مسجد آمده و آدرس مسجد را اغلب از اهالی و کسبه سؤال می‌کنند، بعید به نظر نمی‌رسد... مسجد قبا در رمضان ۱۳۵۷، کانون پر جوش و خروش انقلاب بود و مهم‌ترین سنگر مبارزاتی مردم علیه رژیم طاغوت به‌شمار می‌رفت. هم شهید مفتح و هم سخنرانان مختلفی که توسط شهید مفتح برای این مراسم دعوت می‌شدند، نظیر شهید آیت‌الله مطهری، شهید دکتر باهنر، مهندس بازرگان، حجت‌الاسلام والمسلمین حجتی کرمانی و... در سخنان خود بیشترین تکیه را به مسائل انقلاب داشتند. علاوه بر سخنرانی‌های فوق‌الذکر، حضور چند هزار نفر از مردم مسلمان و مبارز و انقلابی در یک محل (مسجد قبا)، آنجا را به بزرگ‌ترین پایگاه اطلاع‌رسانی انقلابی تبدیل کرده بود. علاوه بر دستفروشی‌های متعدد کتب و نوارهای انقلابی در خیابان‌های اطراف و نیز علاوه بر پخش اعلامیه‌های متعدد، اولین اخبار از مواضع و اعلامیه‌های حضرت امام خمینی، جامعه روحانیت مبارز، دانشگاه‌ها، حوزه‌ها، بازار و... در این مسجد به اطلاع مردم می‌رسید و همچنین اولین موضع در رابطه با مسائل و حوادث فراوانی که در اقصی نقاط کشور بر انقلاب و انقلابیون پیش می‌آمد (نظیر آتش‌سوزی سینما رکس آبادان، برقراری حکومت نظامی در اصفهان و...)، توسط شهید مفتح در این مسجد اعلام گردید و به سرعت به عنوان تحلیل و مواضع انقلابی بین همه مردم و اقشار مختلف، پخش و راهنمای عمل و اقدام آنان می‌گردید. به تعبیری دیگر، مسجد قبا و شهید مفتح در آن دوره، رهبری عملی فعالیت‌ها و تحریک‌های مردمی را در سطحی بسیار وسیع به عهده داشت...»

نماز عید فطری که در قاب انقلاب اسلامی ماندگار شد

اقامه نماز عید فطر سال ۱۳۵۷ در تپه‌های قیطریه تهران، با نام شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتح گره خورده است. البته در آن روز، در برخی نقاط دیگر تهران و ایران نیز نمازهای باشکوهی برگزار شد، اما نماز قیطریه، جلوه‌ای دوچندان یافت. اهمیت این نماز در این بود که در پی انجام آن راهپیمایی بزرگی شکل گرفت و مردم به شکل گسترده، در آن حضور یافتند. فضل‌الله فرخ از مبارزان انقلاب اسلامی، مشاهدات خویش از آن رویداد را اینگونه روایت کرده است:

«در ماه رمضان سال ۵۷، برنامه‌ریزی‌های مفصلی در جاهای مختلف اجرا شد. در مسجد جامع بازار، منبرهای به خصوصی بود و در مسجد قبا شب‌ها برنامه بود که جمعیت زیادی هم می‌آمدند و چون مسجد قبا گنجایش نداشت، جمعیت زیادی کف خیابان می‌نشستند. آنجا افراد مختلفی سخنرانی می‌کردند. شهید مفتح در رأس و هماهنگ کننده این برنامه‌ها بود. در مسجد قبا، شهید مفتح هم یکی دو بار دستگیر شد و نهایتاً این آمادگی‌های ماه مبارک رمضان منجر به این شد که روز عید فطر نماز در مسجد قبا خوانده شود. مسجد قبا هم محل کوچکی بود و گنجایش نداشت، گفتند که ما در تپه‌های قیطریه نماز بخوانیم که آنجا برنامه‌ریزی شد و شهید مفتح صبح به همان مسجد قبا تشریف آورد و از مسجد، پیاده با جمعیت انبوهی از خواهران و برادران تکبیرگویان حرکت کردند. در آنجا یک محوطه بسیار وسیعی آماده شده بود، اطرافش را پرده زده بودند و فرش شده بود. این اولین بار بود که نماز عید فطر، در یک اجتماع بزرگ برگزار می‌شد. افراد مبارز و انقلابی از گروه‌های مختلف، آنجا شرکت داشتند و پس از نماز هم فکر می‌کنم، آقای باهنر سخنرانی داشتند. بعد از سخنرانی ایشان، جمعیت به راه افتاد. در قیطریه چیزی به عنوان راهپیمایی اعلان نشد، ولی پس از پایان نماز دیدیم که دسته‌هایی راه افتادند و اعلام می‌کردند راهپیمایی است. ناگهان ما دیدیم که چند پلاکارد باز شد و عده‌ای جلو افتادند و مردم را به راهپیمایی دعوت کردند. البته بعداً مشخص شد برنامه‌ریزی از قبل شده بود و حتی شهید بهشتی و بقیه در جریان بودند، ولی برای اینکه ممانعتی پیش نیاید، اعلان نشده بود. مردم هم راه افتادند. ابتدا جمعیت نسبتاً کم بود و عده‌ای مردد بودند که این راهپیمایی چیست. بعد که افراد شناخته شده را در راهپیمایی دیدند، به آن پیوستند. راهپیمایی هرچه جلوتر رفت، شلوغ‌تر شد و آن چه مهم بود و اثر عمیقی گذاشت و باعث می‌شد که در مسیر عده زیادی از مردم به این راهپیمایی بپیوندند، حضور خانم‌ها در راهپیمایی بود که برای اولین بار در آن شرکت می‌کردند. در گذشته هم راهپیمایی داشتیم، مثلاً راهپیمایی عاشورای سال ۴۱ یا ۴۲. در آن راهپیمایی عظیم یا ۱۵ خرداد، همگی برادرها بودند. تجمعاتی که می‌شد اکثراً برادرها بودند، اما آن روز خواهرها در راهپیمایی حضور داشتند و شعار دادن آنها به قدری مؤثر بود که حتی مأموران را هم که سر راه بودند، تحت تأثیر قرار داد...»

داوری ویلیام سولیوان، درباره نماز و راهپیمایی تاریخی روز عید فطر

ویلیام سولیوان واپسین سفیر امریکا در ایران دوره پهلوی، بنا بر وظایف دیپلماتیک و غیردیپلماتیک خویش شرایط انقلاب اسلامی در داخل را رصد و به امریکا گزارش می‌کرد. وی در باب تأثیرات نماز تاریخی عید فطر در تپه‌های قیطریه و راهپیمایی‌ای که در پی آن صورت گرفت، عباراتی تاریخی دارد که می‌تواند از سوی تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی، دستمایه تحلیل این رویداد گردد:

«راهپیمایی روز عید فطر به عنوان یک دمونستراسیون و نمایش خیابانی، در تاریخ نوین ایران بی‌سابقه بود. حداقل ۱۰۰ هزار نفر، در این راهپیمایی شرکت کرده بودند. نظم این راهپیمایی فوق‌العاده و شبیه به یک رژه نظامی بود. مأموران انتظامی راهپیمایی، جوانانی بودند که بیشتر سوار بر موتورسیکلت هوندا، صفوف راهپیمایان را منظم می‌کردند و سر چهارراه‌ها و تقاطع‌ها راه عبور و مرور وسایل نقلیه را برای حرکت راهپیمایان مسدود می‌کردند. عده‌ای از مأموران انتظامی راهپیمایی، مجهز به وسائل مخابراتی تاکی - واکی بودند. پیش‌بینی‌های لازم برای تأمین آب و خوراکی به عمل آمده بود و عده‌ای هم با بلندگو، برای هماهنگ ساختن شعارهای راهپیمایان حرکت می‌کردند. به طور خلاصه این راهپیمایی، نمایشی از قدرت مخالفان مذهبی شاه و تشکیلات قوی و منظم آنها بود. نظم و سازمان این راهپیمایی، در عین حال که موجب تحیر و شگفتی ما شد، این واقعیت را هم آشکار ساخت که ما تشکیلات و فعالیت مخالفان را دست‌کم گرفته‌ایم و از منابع اطلاعاتی لازم، در میان گروه‌های مخالف به ویژه روحانیون و بازار برخوردار نیستیم...»

پس از ساخت مسجد قبا در یکی از محلات شمال تهران و نیز مشورت سازندگان آن با برخی عالمان نامور و انقلابی، شهید آیت‌الله مفتح به امامت جماعت آن انتخاب شد. این مسجد پس از تعطیلی دیگر مساجد روشنگر در تهران از قبیل: هدایت، الجواد، جلیلی و... تقریباً به یگانه پایگاه بسط و توسعه اندیشه مبارزاتی تبدیل شد و در روزهای اوج‌گیری نهضت، نقشی مهم و تاریخی ایفا نمود

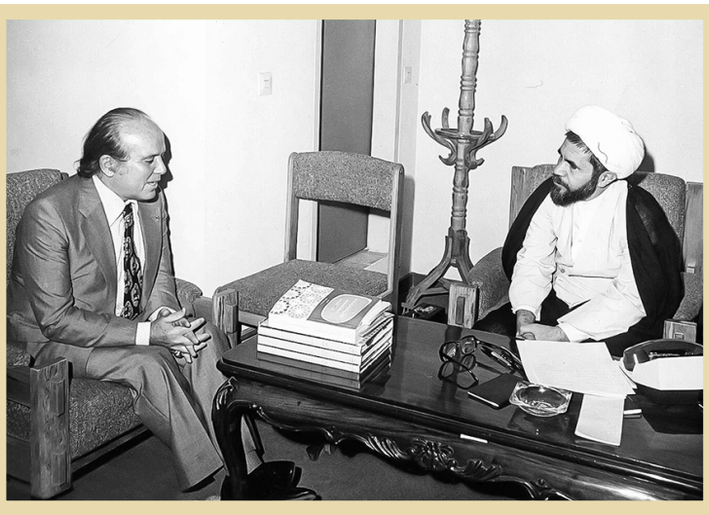

۱۳۵۸. دانشکده الهیات، شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتح در دیدار با یکی از اندیشمندان عرب